

کارآفرینی

جلسه اول: دکتر امید رجبی- دانشگاه علوم پزشکی مشهد
گام اول :
تصمیم راسخ برای ورود به دنیای کارآفرینی

- انسان در طول زندگي خود مراحل مختلفي را سپري مي کند و به مرور زمان از مرحله اي به مرحله ديگر منتقل مي شود.
- بعنوان مثال از مرحله نوزادي به کودکي و سپس به نوجواني و جواني مي رسد.
- روش ديگري که زندگي را براساس آن تقسيم بندي مي کنند، روش وظيفه اي است، يعني زندگي انسان برحسب نوع وظيفه به دوران مختلفي تقسيم بندي مي شود.

- مثلاً در يك دوران از زندگي، بيشتريين و مهمتريين
وظيفه انسان تحصيل است كه آن را زندگي تحصيلي
مي نامند و دوران ديگر كه زندگي شغلي نام دارد
دوراني است كه فرد مهمتريين و بيشتريين
در رابطه با انتخاب شغل و پيشرفت در آن، تحقق مي
يابد.

- شروع زندگي شغلي افراد به شرايط فردي، اوضاع اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي جوامع، بستگي دارد.
- بعضي از افراد در بسياري از کشورها زندگي شغلي خود را از سنين کودکي يا نوجواني آغاز مي کنند و عده اي زندگي شغلي خود را همزمان با تحصيلات دانشگاهي يا پس از اتمام آن آغاز مي کنند.

- به هر حال هر انساني به منظور تامين معاش يا بروز استعدادهاي خود يا هر دليل ديگري مثل ايجاد روابط اجتماعي و يا به منظور تحقق عزت نفس و احترام به خود دير يا زود وارد زندگي شغلي مي شود.

- این دوره از زندگی، سایر شئونات زندگی انسان را تحت تاثیر قرار می دهد. اما آنچه اهمیت دارد این است که اغلب افراد از شغل خود راضی نیستند و زندگی خود را که قسمت اعظم زندگی آنها است همواره با ناراحتی، اضطراب، سردرگمی و ناامنی می گذرانند.

- آمارها نشان می دهد که بطور متوسط مردم 5 بار شغلشان را در طول عمر تغییر می دهند.

- یکی از مهمترین دلایل نارضایتی از شغل این است که اغلب افراد هنگام آغاز زندگی شغلی، آگاهانه و براساس معیارهای صحیح، واقعی و واضح (استعدادها، مهارت ها و علایق) برای خود برنامه ریزی نمی کنند و باتوجه به نیازهای بازار کار، قراردادهای اجتماعی و ارزش های گروههای مرجع و حرف مردم، رشته تحصیلی و شغل خود را انتخاب می کنند.

- . به عبارت دیگر، مردم کار را برای آنها تعریف و انتخاب کرده اند نه خودشان. بنابراین در زندگی ای قدم می گذرانند که مجبورند يك عمر بدبختي بکشند و در انظار دیگران تظاهر کنند که خوشبختند!!

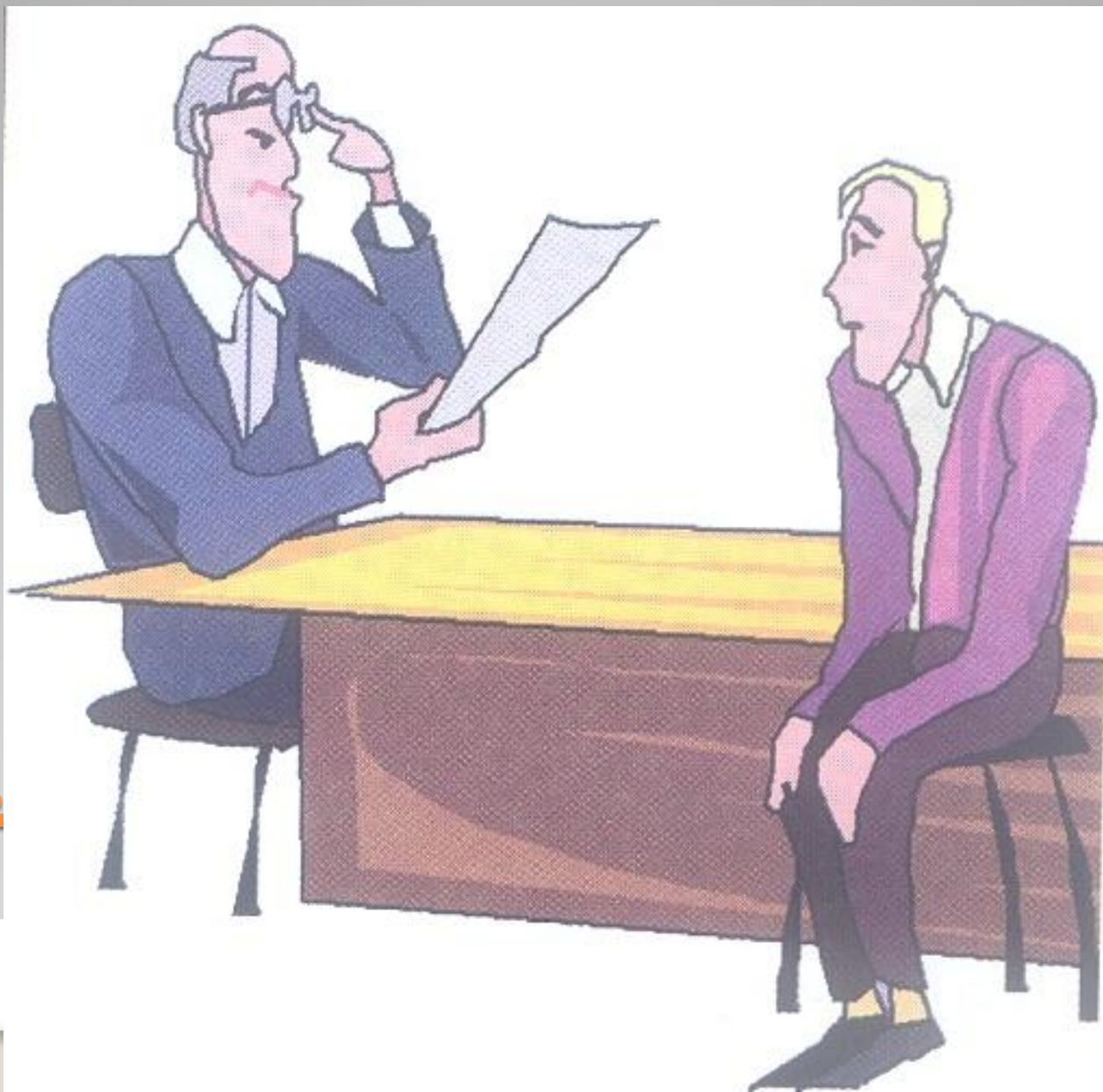
- اما برای این که شغل مناسبی را برای خود انتخاب کنیم و زندگی شغلی مطلوبی را پایه ریزی نماییم ابتدا باید بدانیم چند نوع زندگی شغلی وجود دارد و سپس ببینیم کدامیک با اهداف، ایده ها، روحیات، گرایش ها، توانایی ها، علایق و مهارت های ما سازگار است.

- بطور کلي مي توان گفت تاکنون مردم دنيا سه نوع زندگي شغلي را تجربه کرده اند که عبارتند از:

- کارآفريني، خوداشتغالي، استخدام

انواع زندگي شغلي:

مخدّام



- منظور از استخدام، زندگی شغلي اي است که شخص در قالب يك قرارداد رسمي و معتبر، وقت و مهارت هاي خود را در مقابل دریافت وجه مشخصي در اختیار سازماني دولتي يا خصوصي قرار مي دهد. استخدام شرايطي را فراهم مي سازد که موجب امنيت شغلي کامل يا نسبي براي مدت نسبتاً طولاني مي گردد.

- این نوع زندگی از دوران انقلاب صنعتی که سازمان های بزرگ بوجود آمدند، بیشتر رایج گردیده و لذا گفته می شود شالوده کار در دوران صنعتی استخدام بوده است.





- زندگي اي که فرد از يك حداقل امنيت شغلي و اقتصادي برخوردار است. فرد استخدام شده دغدغه ضرر و خطرپذيري مالي کارفرما را ندارد و در جستجوي يك زندگي مطمئن و بي مخاطره است، اگرچه در سطح بالايي از رفاه نباشد.

- افرادی که این نوع زندگی را انتخاب می کنند اغلب افرادی منظم و تابع مقررات بوده و پذیرای سلسله مراتب اداری و ریاست مافوق هستند و لذا حاضرند خود را تحت نظر و کنترل دیگران قرار دهند به عبارت دیگر بدست آوردن يك امنیت شغلی برای این گروه و ارزش بالایی دارد تا حدی که حاضرند خود را تا این درجه محدود کنند.

- البته سایر خصوصیات و ویژگی های شخصیتی و رفتاری و عوامل محیطی نیز در این تصمیم گیری موثر است؛ بعنوان مثال فردی که در خانواده خود شاهد و ناظر رفتارهای کارآفرینانه و مخاطره پذیر نبوده است و یا فردی که نیاز به قدرت سازمانی دارد ترجیح می دهد در يك سازمان بزرگ کار کند تا بتواند در جایگاهی قرار گیرد که قدرت خود را بر دیگران اعمال کند.

- به هر حال آنچه مسلم است عده ای از افراد زندگی آرام، منظم و مطمئن را بر زندگی توأم با خطرپذیری، نوسان، پیشرفت، شکست و هیجان که مشخصه زندگی شغلی کارآفرینانه است ترجیح می دهند. این گروه اغلب در جستجوی مشاغل ثابت و مطمئن مزدبگیری هستند.

- لازمه تشخیص قطعی نسبت به این که افراد کدام زندگی شغلی را انتخاب کرده اند یا خواهند کرد این است که مدتی در حدود 3 تا 5 سال از انتخاب شغلشان گذشته باشد.

- البته فراموش نشود که منظور، تغییر شغل نیست بلکه تغییر نوع زندگی شغلي است. چون عده زیادی در طول عمر خود مشاغل مختلفی را تجربه می کنند ولي ممکن است همه آنها در يك نوع زندگی شغلي مثلا استخدام یا خوداشتغالي یا کارآفرینی باقی بمانند.

- ساعتی میزان اینی ساعتی میزان آن
- يك نفس میزان خود شود تا شوي موزون خویش

مولوي

بالي



- خوداشتغالي اصطلاحی است برای بیان و توصیف يك نوع زندگی شغلي که در آن فرد حرفه خود را براساس تجربیات و مشاغل آزاد موجود در بازار کار و با مسئولیت شخصی انجام می دهد.

خوداشتغالي

- به عبارت دیگر هر کس که در استخدام سازمانی نباشد و یا همه افرادی که مزدبگیر نیستند، خواه به صورت انفرادی کار را در منزل انجام دهند یا همانند يك وكيل، يك مشاور، يك متخصص، کار در بیرون منزل داشته باشند و یا در يك مغازه و یا کارگاه با چند نفر دیگر بکار مشغول باشند، خوداشتغال هستند.

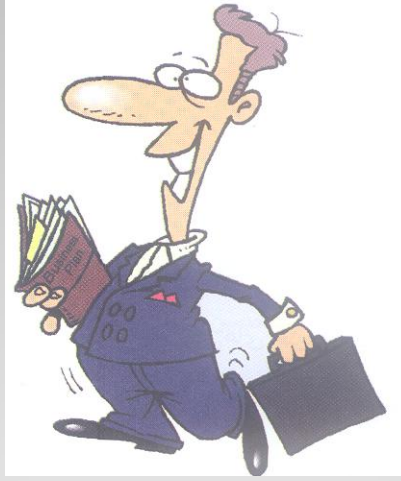
- بعنوان مثال ممکن است فردي در يك مغازه يا كارگاه، تعدادي را بكار گمارده و مشغول توليد محصولي مثل قاب عكس باشد، و يا به تنهائي صاحب مغازه باطري سازي بوده و آن را اداره كند جزء خود اشتغالان محسوب مي شود.

- علاوه بر این لازم است فرد مسئولیت مالی کار و خطرپذیری آن را شخصا بپذیرد.

- بنابراین می توان گفت خوداشتغالی مساوی است با کاری که توأم با خطرپذیری و غیرمزدبگیری در منزل یا خارج منزل و بصورت فردی یا خانوادگی و با بکار گماردن افرادی انجام شود.

- بسیاری از افرادی که نوع زندگی شغلی کارآفرینانه دارند ممکن است کار خود را از خوداشتغالی شروع کرده باشند اما پس از مدت کوتاهی رشد قابل توجهی نموده و وارد حوزه کارآفرینی و شرکت های کوچک و متوسط شده اند.

- نکته: امروزه به دلیل رشد و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، افراد در منازل خود از طریق ایجاد شرکت های مجازی در اینترنت اقدام به فعالیت هایی بسیار گسترده حتی در حد بین الملل می کنند. اینگونه فعالیت ها که توسط يك فرد به تنهایی و یا با استخدام دیگران انجام می شود حتی اگر با سپردن قسمتی از کار به سایر افراد و سازمان ها بصورت برون سپاری انجام پذیرد، جزء فعالیت های خوداشتغالی محسوب می شود و در صورتی که همراه با نوآوری و توسعه کسب و کار باشد، کارآفرینی به شمار می آید.



کارآفرینی

- کارآفرینی نه تنها يك نوع زندگی شغلي است بلکه بسیاری معتقدند يك سبك تفکر و يا يك فرهنگ است، زندگی کارآفرینانه زندگی ای است توام با هیجان، خطرپذیری، تنوع، تغییر، شکست، پیروزی، شوق، تلاش، خلاقیت و فرصت گرایی.

- . زندگي اي که در آن از سکون و رخوت و نااميدي خبري نيست. زندگي شغلي کارآفرينانه را افرادي انتخاب مي کنند که دوست دارند از ديگران موفق تر باشند آنها مي خواهند اين موفقيت را از طريق تلاش بيشتر، خلاقيت بيشتر، خلق و کشف نوآوري و بهره برداري بيشتر از فرصت ها بدست آورند.

- روحیه آنها طوری است که نه از رئیس داشتن خوششان می آید و نه از ریاست کردن بر دیگران. آنها سخت به دنبال تحقق بخشیدن آرمان و چشم انداز خود هستند و در این راه پول فقط معیاری جهت نشان دادن میزان موفقیتشان است نه هدف غایی فعالیت هایشان.

- . اگر قصد شما از ورود به کسب و کار تنها کسب درآمد بیشتر و سریع تر باشد کارآفرین نیستید شما باید در درجه اول عاشق کارتان باشید.

- . وي براي رسيدن به موفقيت، حاضر است طعم شکست را بچشد. شکست در نزد کارآفرين واقعه اي است که هنوز فوائد آن تبديل به سود نشده است. کارآفرين اگر هيچ پولي از کارش بدست نياورد تا زماني که از کارش لذت مي برد خود را موفق احساس مي کند.

- کارآفرین همواره در جستجوی ایده ها و فرصت های جدید است. کارآفرینان فردی اگرچه در مشاغل غیر مزدبگيري فعالیت می کنند اما با صاحبان مشاغل آزادي که فقط در تلاش هستند تا موقعیت خود را حفظ کنند و منافع اقتصادی خود را بدون داشتن ایده جدید یا خلق فرصت های جدید کسب و کار افزایش دهند تفاوت های بسیاری دارند. آنها استقلال شغلي را به علت عدم یافتن يك شغل استخدami، انتخاب نکرده اند بلکه ممکن است سازمانی را بخاطر اجرای فکر و ایده شان ترك کرده باشند.

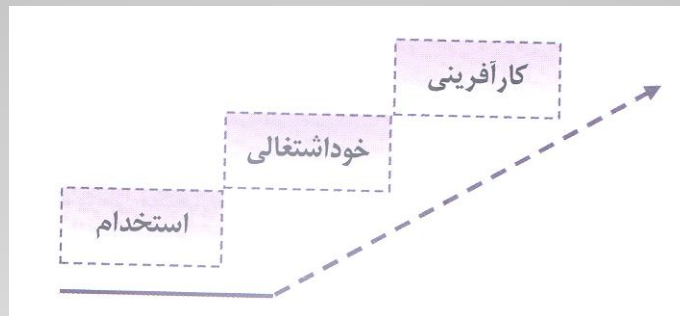
- یکی دیگر از تفاوت های کارآفرینان با صاحبان مشاغل آزاد یا شرکت های کوچک و متوسط این است که آنها خیلی سریع رشد می نمایند. بنابراین شرکت کوچک یا خوداشتغالی که در عرض 3 تا 5 سال پیشرفت چشمگیری نکرده باشد جزء کارآفرینان قرار نمی گیرد و لذا معنی اخص خوداشتغالی در همین تفاوت ها مشخص می شود.

- شغل کارآفرین با وجود این که از نوع خوداشتغالی و غیر مزدبگیری است اما با صاحبان مشاغل آزاد به معنی اخص آن بسیار تفاوت دارد. آنها فقط کار نمی کنند که بازده سرمایه شان را بالا ببرند و مانند سرمایه داران معمولی و غیرخلاق سعی نمی کنند فقط تهدیدها را شناسایی و رفع کنند.

- این افراد به هیچ عنوان تمایلی به انجام کارهای رایج و دلالتی یا خرید و فروش بدون نوآوری و فرصت گرایی ندارند، اگر چه سود فراوانی با وجود موفقیتی که بدست می آورد، همواره در جستجوی کالاهای جدید، روشهای جدید خرید، فروش، تبلیغ و...، مشتریان جدید، بازارهای جدید و فعالیتهای جنبی جدید و حتی فرصت هایی برای ارتباط با همکاران بالاتر، پایین تر و یا هم سطح خود است. در حالی که يك مغازه دار معمولی از روشهای رایج و معمول تقلید می کند، در محلی مغازه خود را دایر می کند که بورس است، جنسی را می خرد که همه مغازه ها برای فروش عرضه می کنند، روش تبلیغ، بسته بندی و رقابتی را انتخاب می کند که سایرین انتخاب کرده اند و هر نوع کار تقلیدی و تکراری دیگر.

- برای تفکیک صاحبان مشاغل آزاد و کارآفرینان کافی است مغازه داری را در نظر بگیرید که سالیان سال است هیچگونه تغییری در نوع کار، دکوراسیون، محصولات و روشهای تبلیغ و ... خود نداده است، اگرچه به دلایل تورم و روابط و مسائل دیگر توانسته باشد درآمد قابل توجهی را بدست آورده باشد اما به هیچ عنوان کارآفرین نیست.

- بطور خلاصه اگر بخواهیم ویژگی های افراد خود اشتغال را با کارآفرینان و مزدبگیران مقایسه کنیم می توانیم بگوییم که این گروه نه کاملاً ویژگی های کارآفرینان را دارند که با یک دورنما و انگیزه پیشرفت قوی حتی بدون سرمایه و تحمل خطرپذیری، کار خود را در سطح وسیع تری انجام دهند و نه ویژگی های گروه مزدبگیران را که حاضر شوند در استخدام سازمانی قرار گیرند و تابع مقررات بوده و پذیرای سلسله مراتب اداری و ریاست مافوق باشند.



مستخدمین	خوداشتغالان	کار آفرینان	زندگی شغلی ویژگی ها
کم	زیاد	زیاد	استقلال طلبی
خیلی کم	متوسط	زیاد	خطرپذیری
کم	متوسط	خیلی زیاد	نیاز به پیشرفت
زیاد	متوسط	کم	نیاز به قدرت
کم	تا حدودی	زیاد	خلاقیت
کم	تا حدودی	زیاد	تحمل ابهام
کم	متوسط	خیلی زیاد	فرصت شناسی

- فرصت شناسی به این معنی است که فرد بجای توجه بیشتر به تهدیدات و رفع آنها جهت حفظ وضعیت موجود خود، به فرصت ها توجه می کند تا از طریق کشف یا خلق آنها و بهره برداری از فرصت های جدید وضعیت موجود خود را ارتقاء دهد.

- همانطور که در قسمت های قبلی توضیح داده شد، هر فردی خواسته یا ناخواسته و آگاهانه یا ناآگاهانه بنا به شرایط محیطی و ویژگی ها و نیازهای شخصی خود در سن خاصی وارد زندگی شغلی می شود.

انتخاب زندگی شغلی

- دوره ای که از نظر زمانی بیشتر عمر در آن سپری خواهد شد و از نظر تاثیر بر سایر شئونات زندگی اهمیت ویژه ای دارد و به قوت می توان گفت این انتخاب در سرنوشت و خوشبختی و سعادت دنیوی و اخروی انسان تاثیر بسزایی دارد. لذا جا دارد با حساسیت بیشتری به آن پرداخته شود.

- اغلب جوانان زندگی شغلي خود را پس از پایان تحصیلات متوسطه و دانشگاهي شروع مي کنند و احتیاج دارند در انتخاب صحیح شغل و نوع زندگی شغلي خود راهنمائي و هدایت شوند. هر جواني باید نسبت به ویژگی ها، اهداف، علایق و ضعف و قدرت خود بصورت واقعي، شفاف و واضح اطلاع داشته باشد تا بتواند در کنار ویژگی ها، الزامات و شرایط مختلف انواع زندگی شغلي، انتخابي صحیح و به موقع داشته باشد تا خدای ناکرده با انتخاب غلط زندگی شغلي خود، يك عمر زجر و ناراحتي نکشد چون تغییر شغل و زندگی شغلي به راحتی و به سرعت امکان پذیر نیست.

- اما نکته مهمی که تا بحال به آن نپرداخته ایم :
- امروزه بسیاری از مفاهیم کلی مثل **دولت، سازمان، رقابت و بازار** تغییر اساسی کرده و به تبع آن تغییرات چشمگیری در زندگی شغلی و مرزها و تعاریف آنها ایجاد شده است؛ بطوری که اساساً امنیت شغلی زندگی استخدami زیر سؤال رفته است.

- در حال حاضر نه تنها امنیت شغلي افرادي که در استخدام سازماني هستند بيشتر از خوداشتغالي و زندگي کارآفرینانه نیست بلکه شاید خطرپذيري آنها بيشتر از خطرپذيري يك کارآفرين باشد.

- امروزه حتي کساني که مي خواهند به استخدام سازمانی در آیند و يا در شغل خود باقي بمانند بايد خلاق باشند و بتوانند هر روز حرف نو و حرکتی تازه در کار خود ارائه دهند در غير اين صورت کار خود را از دست مي دهند.

- امروزه بسیاری از دولت ها مشغول کوچک سازی و تحویل امور به بخش خصوصی هستند و لذا بسیاری از رانت های اقتصادی که برای مدیران دولتی وجود داشت از بین خواهد رفت و به همین جهت گفته شده است که شالوده کار که در عصر صنعتی استخدام بود تغییر کرده و عصر حاضر که عصر فراصنعتی است مبتنی بر شالوده کاری کارآفرینی است.



- بنابراین می توان گفت که در عصر حاضر کارآفرینی يك ضرورت است نه يك انتخاب. به عبارت دیگر، جوانان این دوره مجبورند زندگی کارآفرینانه را انتخاب کنند و آنهایی که این جبر تاریخی را نپذیرند باید به سختی زندگی کنند.

• يك سوال كليدي:

• آيا ابتدا بايد شغل را انتخاب كرد يا



- ممکن است برای عده ای این سؤال پیش آمده باشد که اول باید حرفه یا تخصص و زمینه کاری را انتخاب کرد و بعد نوع زندگی شغلی را یا برعکس ابتدا باید نوع زندگی یعنی خوداشتغالی، استخدام یا کارآفرینی را انتخاب کرد و سپس حرفه خود را تعیین نمود.

- پاسخ به این سئوال مانند بسياري از پاسخ هايي است كه بايد در زندگي روزمره و واقعي به مسائل و مشكلات بدهيم. يعني نبايد به دنبال يك پاسخ ثابت و قطعي باشيم كه در همه موارد بصورت كاملا صحيح، صدق كند. در واقع بايد گفت بستگي به عوامل مختلفي مثل نوع شغل، قوانين و مقررات و عرف جامعه دارد.

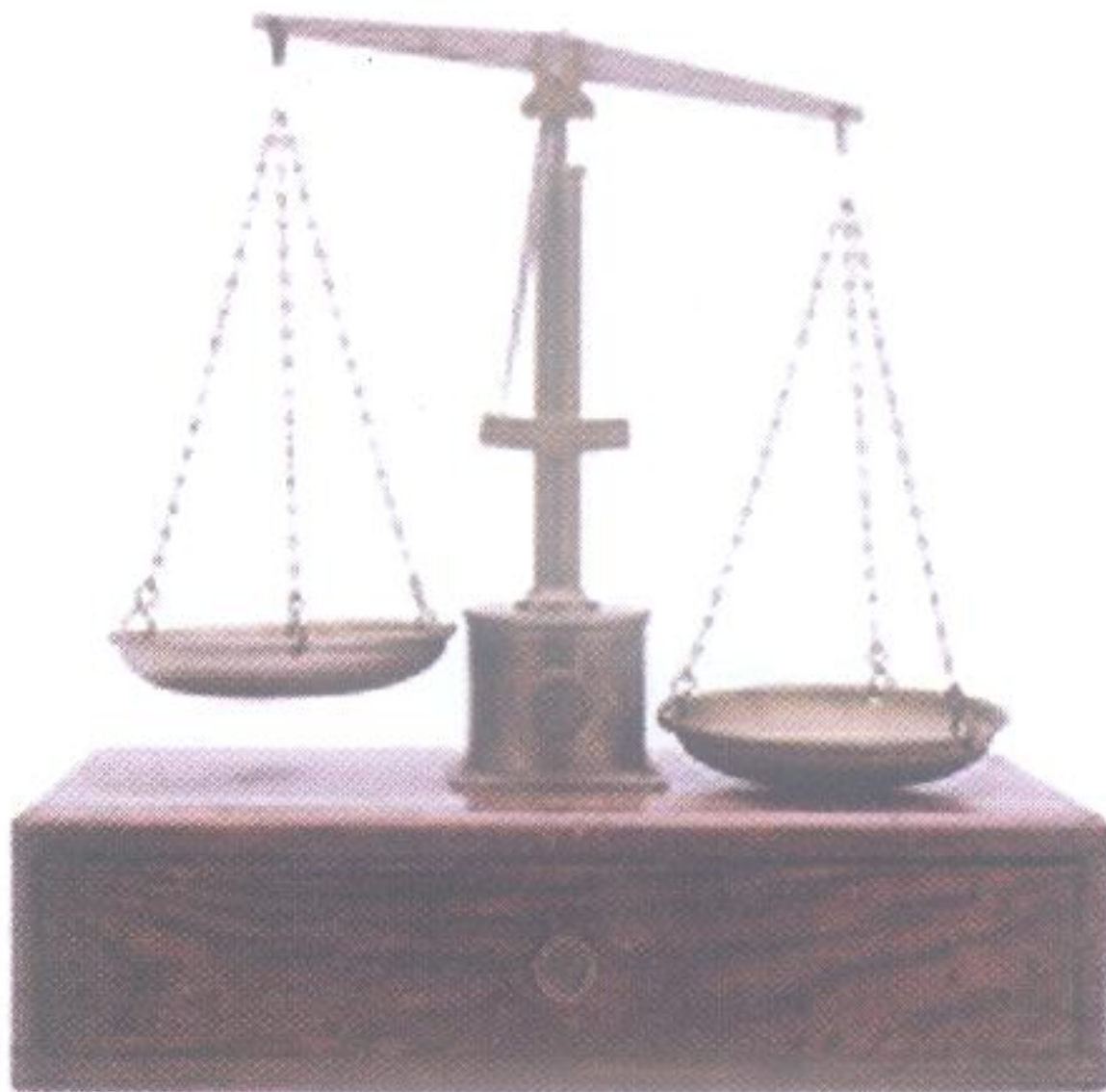
- بعضي از تخصص ها را فقط مي توان در قالب زندگي استخدامي به شغل تبديل کرد مثلا کسي که در مورد انرژی اتمی تخصص دارد به جز استخدام در سازمان و نهادهای دولتي راه ديگري ندارد؛ چرا که قوانين و عرف جامعه چنین اجازه اي را به او نمي دهد که از تخصص خود در بازار آزاد استفاده نمايد. از طرف ديگر بسياري از افراد ممکن است بطور همزمان به انتخاب شغل و نوع زندگي شغلي فکر کنند و يا در بعضي از مواقع ابتدا شغل و زمينه کاری انتخاب شود و سپس نوع زندگي شغلي؛ البته برعکس آن نیز بسيار ديده شده است.

- اما آنچه که اهمیت دارد این است که حتما باید در مورد نوع زندگی شغلي خود در همان مراحل اول بصورت آگاهانه و مستدل فکر کنیم. حتي اگر بدون استدلال و ناخواسته وارد شغل و زندگی شغلي خاصی شده ایم همواره باید در مورد آن فکر کرده و به يك پاسخ روشن و مستدل برسیم که آیا شغل و نوع زندگی فعلی برای من مناسب هست یا خیر؟

- عیب جامعه این است که همه می خواهند فرد
موفقی باشند، ولی هیچکس نمی خواهد انسان
مفیدی باشد.

لویی پاستور

- یکی از ابزارهایی که می تواند در انتخاب يك شغل صحیح مورد استفاده قرار گیرد **جدول ترکیب علایق و مهارت** ها است. تهیه این جدول به شما کمک می کند تا مهارت ها و علایق خود را در کنار هم و بصورت واضح، تفکیک شده و درجه بندی شده تحلیل نمایید و از طریق آن شمای روشنتری از وضعیت خود را به تصویر بکشید.



مهارت‌ها

خیلی زیاد

Minimize

اموری که باید کمتر استفاده شود
چون کمتر علاقه داریم.

Develop

بهترین گزینه برای انتخاب اموری که هم
علاقه و هم مهارت زیادی داریم.

Avoid

اموری که باید اجتناب شود
چون هم علاقه و هم مهارت نداریم.

Explore

اموری که باید در آنها مهارت بیشتری
کسب کنیم چون علاقه بالایی داریم.

خیلی کم

خیلی کم

خیلی زیاد

علاقه

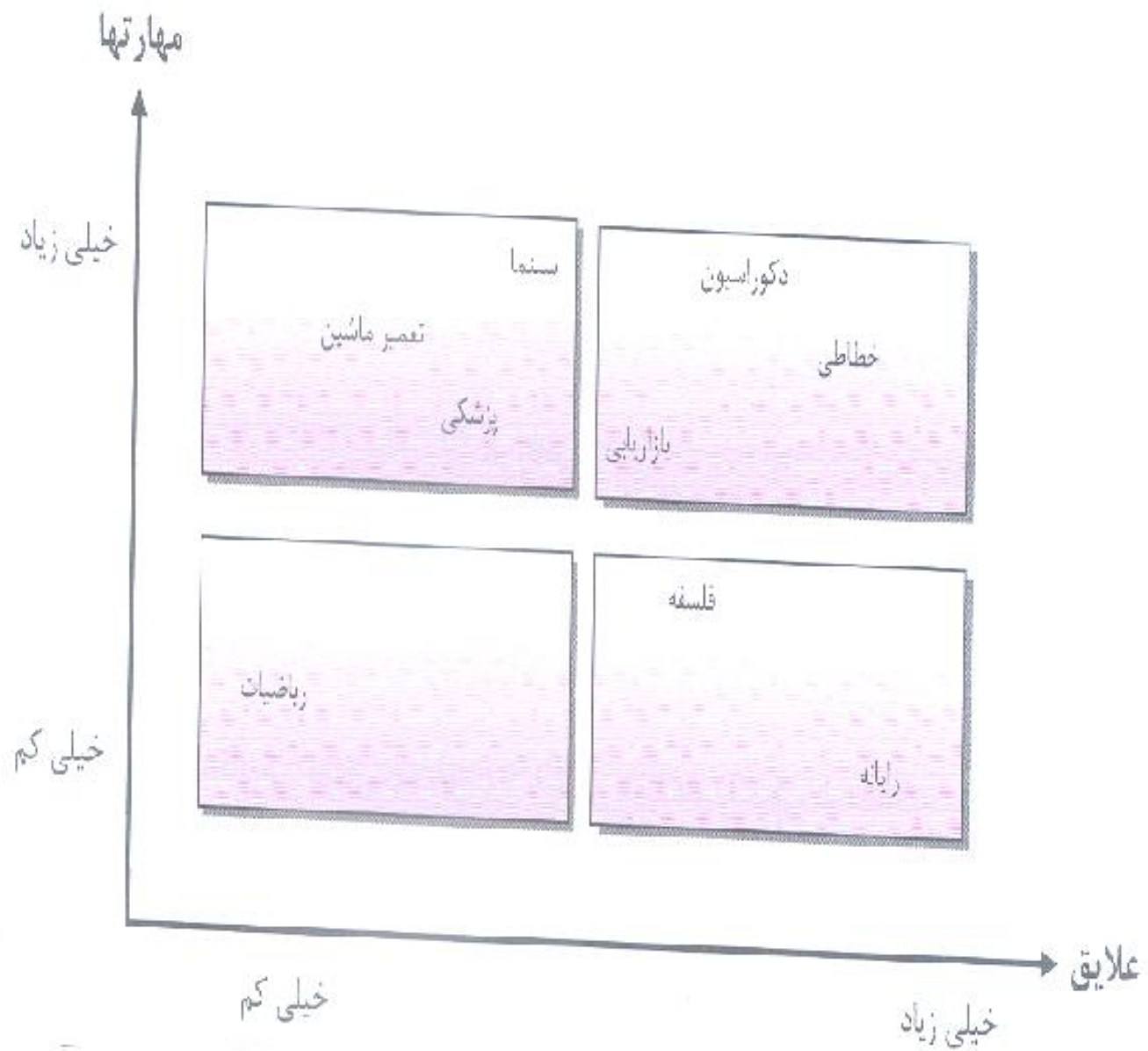
- علایق و مهارت ها را بین محورهایی افقی و عمودی، بصورت درجه بندی شده از کم تا زیاد قرار می دهیم تا در آخر بتوانیم تشخیص دهیم در کدامیک از علایق بیشترین مهارت یا در کدامیک از مهارت ها بیشترین علاقه وجود دارد.

- بدینوسیله مهارتی را که بیشترین علاقه را به آن داریم انتخاب و از مهارتی که کمترین علاقه را به آن داریم اجتناب می کنیم. یا می توانیم در مورد چیزهایی که زیاد علاقه مند هستیم، مهارت بیشتری را کسب کنیم تا بتواند به عنوان بهترین گزینه انتخاب شود.



علايق	مهارت
رایانه	خیلی کم
خطاطی	زیاد
دکوراسیون	خیلی زیاد
فلسفه	کم
بازاریابی	متوسط
سینما	خیلی زیاد
پزشکی	متوسط
تعمیر ماشین	زیاد
ریاضیات	خیلی کم
تدریس	خیلی زیاد

افزایش علاقه



• اخیراً روانشناسان به دسته بندی مشاغل براساس عوامل گوناگون از جمله علایق توجه کرده اند و شما می توانید بر اساس این دسته بندی ها شغل یا زندگی شغلی خود را بهتر انتخاب کنید بعنوان نمونه **استرانگ Strong** تمام مشاغل را در هفت گروه عمده زیر تقسیم بندی کرده است:

- 1- شغل مرتبط با علوم زیستی
- 2- شغل های مرتبط با علوم فیزیکی
- 3- شغل های مرتبط با امور فنی
- 4- شغل های مرتبط با خدمات رفاهی
- 5- شغل های مرتبط با تجارت کوچک
- 6- شغل های مرتبط با تجارت بزرگ
- 7- شغل های مرتبط با امور ادبی

دسته بندی مشاغل براساس علایق

• روانشناس ديگري بنام **هات Hott** مشاغل را از نظر اقتصادي بشرح ذيل تقسيم کرده است:

- 1- سياسي
- 2- حرفه اي
- 3- تجاري
- 4- تفريحي
- 5- کشاورزي
- 6- کارهاي دستي
- 7- نظامي
- 8- رفاهي

- **کودر Kuder** هم از جمله روانشناسان معروفی است که در زمینه سنجش علایق کار کرده و با ارائه ترجیح سنج کودر علایق را به ده گروه به شرح ذیل تقسیم کرده است:

- 1- **رغبت مکانیکی:** افرادی که تمایل دارند با وسایل و ابزارهای مکانیکی کار کنند مانند تعمیرکاران اتومبیل، ساعت سازان و مهندسان.
- 2- **رغبت محاسباتی:** افرادی که علاقه مندند با آمار و ارقام کار کنند مانند حسابداران و بانکداران.
- 3- **رغبت علمی:** کسانی که علاقه مند به کشف نظریه علمی هستند. مانند شیمی دانان و زیست شناسان که در مراکز تحقیقاتی کار می کنند.
- 4- **رغبت هنری:** کسانی که به فعالیت های هنری و خلاقیت توجه دارند مانند نقاشان و مجسمه سازان.
- 5- **رغبت ارتباطی:** افرادی که می خواهند با مردم در تماس باشند مانند هنرپیشه ها، خبرنگاران و روزنامه نگاران.
- 6- **رغبت به فضای باز:** افرادی که ترجیح می دهند در محیط بسته و محدود نباشند مانند جنگلبانان، طبیعی دانان، زمین شناسان و کشاورزان.
- 7- **رغبت ادبی:** کسانی که نوشتن، خواندن و تالیف می پردازند مانند تاریخ نویسان، نویسندگان و شاعران.
- 8- **رغبت موسیقی:** کسانی که نواختن آلات موسیقی علاقه مند هستند مانند موسیقی دانان و خوانندگان.
- 9- **رغبت خدمات اجتماعی:** گروهی که علاقه مندند به مردم نیازمند کمک کنند مانند پرستاران، مددکاران اجتماعی و مشاوران.
- 10- **رغبت بکار دفتری:** کسانی که بکارهای دقیق و با نظم و ترتیب علاقه مندند مانند دفترداران و منشی ها.

- یکی دیگر از روش‌هایی که می‌تواند به شما کمک کند تا بیشتر خود و تصویر ذهنیتان را در مورد شغل و حرفه آینده‌تان بشناسید این است که چشمان خود را ببندید و به **10-15 سال آینده** فکر کنید و شمای شغلی خود را در ذهن مجسم کنید.

- تصور کنید که صبح است و تازه از خواب بیدار شده اید، ببینید ساعت چند است و پس از شستشوی صورت و صرف صبحانه عازم محل کار خود شوید دقت کنید سوار چه نوع ماشینی می شوید و پس از رسیدن به محل کارتان دقت کنید که چه نوع محلی است قدیمی است یا نوساز، کارگاه است یا اداره، دولتی است یا خصوصی و نقش و سمت شما در آن محل چیست؟ مطمئن باشید اگر تا 10-15 سال آینده اتفاق اساسی در زندگی شما نیافتد و شما با همین مدل و تصویر ذهنی فعلی راه خود را ادامه دهید به همان جایی خواهید رسید که تصور کردید. اگر از کاری که تصور کرده اید خوشتان نمی آید باید بطور جدی راجع به مطالب گام اول فکر کنید.

- براي اين كه خود را بهتر و بيشتر بشناسيد تصور كنيد كه 100 ميليون تومان بدستتان رسيده است با آن چه مي كنيد؟

- اگر با آن کسب و کار تازه ای را در نظر نگرفته اید، زیاد اهل زندگی کارآفرینانه نیستید. اما اگر تصمیمتان در مورد کسب و کار آزاد، خوداشتغالی و نوآوری و خلاقیت است آمادگی آن را دارید و با ادامه این دوره کارگاهی می توانید کارتان را شروع کنید.

- نکته: در انتخاب نوع شغل باید توجه داشته باشید که داشتن تجربه و تخصص اهمیت ویژه ای دارد عده ای فکر می کنند چون زیبا هستید و رموز آرایش را می دانند می توانند در کسب و کار لوازم آرایش وارد شوند و یا چون غذاهای خوشمزه می پزند می توانند در رستوران داری موفق شوند و عده ای چون ورزشکار خوبی هستند فکر می کنند در کسب و کار وسائل ورزشی دارای تخصص هستند. مراقب چنین وسوسه هایی باشید.

- در پایان اگر شغلي را براي خود انتخاب کرده اید باید بتوانید به 4 سوال زیر بدون مکث و فکر زیاد پاسخ دهید؟

• (1) چرا تصور مي كنيد براي اين كار مناسب هستيد؟

• (2) کدام از مهارت ها و ویژگی های لازم برای این شغل را دارا هستند؟

• 3) کدامیک از تجربیات و آموزش های شما در این کار مفید هستند؟

• (4) عوامل کلیدی موفقیت در کاری که انتخاب کرده
اید کدامند؟

- I want what, I want, when, I want it

- جمله فوق مي خواهد يك نکته ظريفي را در مورد خواستن توانستن است بيان کند.
- به عبارت ديگر مي خواهد بگويد چرا هر خواستني منجر به توانستن نمي شود.

تصميم به کارآفريني و ورود به دنياي کسب و کار

- همه ما چیزهای زیادی را می‌خواهیم ولی چرا به همه آنها نمی‌رسیم. زیرا بسیاری از خواسته‌های ما به حد کافی جدی و واقعی یا به حد کافی برایمان ضروری نیست. بعنوان مثال ممکن است شما بخواهید مشهورترین و ثروتمندترین مرد شهرستان شوید و یا بخواهید 20 کیلو وزن خود را کاهش دهید؛ اما چقدر برای رسیدن به این خواسته سعی می‌کنید؟

- چقدر براي آن وقت مي گذاريد؟ و از همه مهمتر چه زمان مي خواهيد اولين قدم را عملا براي رسيدن به منظور خود برداريد؟ هر زمان شما اولين حرکت و اقدام را در مورد خواسته هايتان انجام داديد، آن وقت مي توانيد بگوييد که من آن موضوع را خواسته ام و تا آن زمان فقط در ذهنتان خواسته ايد اين نوع خواستن (خواستن ذهني) اصلا خواستن واقعي به حساب نمي آيد، چه برسد به اينکه به توانستن منجر مي شود.

- این نوع خواستن ها از نوع احساسات و هیجانات موقت و آنی است که فقط در بعضی شرایط ایجاد می شوند و سریعاً خاموش و فراموش می شوند. این نوع خواسته ها اگر چه بسیار تکرار می شوند اما هیچگاه عملی نمی شوند.

- برای عملی کردن این نوع خواسته ها باید همان موقع که برانگیخته شده اید اقدامی کنید. در غیر این صورت فراموش می شود و مشخص نیست که چه زمان دوباره به آن حد از احساس و علاقه یا انگیزه خواهید رسید تا بتوانید اقدام کنید.

If you don't do it now, you will never do it •

- بله بسياري از موفقيت ها و رفتارهاي کارآفرينان ناشي از چنين عملکردهايي است. به همين دليل عده اي از صاحب نظران گفته اند کارآفريني يك هوس است اما هوسي که خواب را از شما مي گيرد. هوسي که سريع تبديل به عمل مي شود و عده اي ديگر گفته اند: موفقيت يعني به موقع حاضر شدن.

- خداوند انسان را برای موفقیت آفریده است ولی این موفقیت به سادگی به دست نمی آید و هر کسی موفق نمی شود. موفقیت احتیاج به ایمان، اراده، برنامه، عمل، پشتکار و بسیاری چیزهای دیگر دارد.

- اما بعد از نیاز، اولین چیزی که انسان را برای حرکت و رشد و پیشرفت و دستیابی به موفقیت آماده می سازد تصمیم راسخ و جدي براي رفع آن نیاز است. اگر مطالب مطرح شده در این گام نتواند نیاز به کارآفرینی را در شما بحد کافی و لازم ایجاد کند مطمئن باشید گام های بعدی شما را به سرمنزل مقصود نخواهد رساند.

- . از این رو لازم است در این مرحله دقت و تامل بیشتری نمایید تا سرتاپای شور و شوق شوید. به حدی که بعد از اتمام این گام احساس کنید **يك تحول فكري و نگرش** جدیدی در مورد در شما ایجاد شده است و گویی دیدگاه **جدید کار، پول، موفقیت و خوشبختی** ی پیدا کرده اید. برای رسیدن به چنین روحیه و انگیزه ای لازم است مطالب ذیل را پیگیری و از خود سوال کنید:

• آیا دلتان مي خواهد آنقدر پول داشته باشید که هر
زمان خواستید بتوانید به همه افراد نیازمند فاميلتان
کمک مالي کنید؟



- آیا دلتان مي خواهد مورد احترام جامعه، اقوام و دوستانتان قرار بگيريد؟

- آیا دلتان می خواهد بهترین منزل و لوازم را داشته باشید و بهترین مدل ماشین را سوار شوید؟

- آیا دلتان می خواهد هر زمان که خواستید به همراه خانواده تان به مسافرت های خارج از کشور و به هتل های لوکس بروید؟

• آیا دلتان می خواهد خودتان رئیس خودتان باشید؟

• آیا دلتان می خواهد هر ایده ای که در کارتان به ذهنتان رسید سریع آزمایش یا اجرا کنید؟

- آیا دلتان مي خواهد مورد تشويق و احترام دولتمردان و مسئولين جامعه قرار بگيريد؟

• آیا دلتان می خواهد ذهنی باز و خلاق داشته باشید؟

• آیا می خواهید کارکنانتان به شما علاقمند باشند و با کمال وجود برای شما کار کنند؟

- آیا دلتان می خواهد هر زمان که خواستید سر کار بروید و هر طور که خواستید کار کنید؟

• آیا دلتان می خواهد همه در مورد شما بگویند آدم
برجسته و متفاوتی هستید؟

- آیا دلتان مي خواهد هر زمان که خواستيد خود را با پس انداز کافي بازنشسته کنيد؟

- اگر چنین آرزوهایی دارید تنها راه رسیدن به آنها انتخاب زندگی شغلی کارآفرینانه است.



- از آن مهمتر این که حتي اگر چنین آرزوهایی در سر ندارید باید بدانید که در شرایط فعلی دنیا و آینده قریب الوقوع کشور برای رسیدن به حداقل سطح زندگی و اطمینان نسبی مجبورید زندگی کارآفرینانه را انتخاب کنید. لذا مجدداً تکرار می کنیم که کارآفرینی امروزه يك انتخاب نیست بلکه يك ضرورت است.

- براي ورود به دنياي كسب و كار و كارآفريني بايد بدانيد تحصيلات بالا خوب است اما شرط لازم نيست، به عبارت ديگر اگر تحصيلات دانشگاهي بالايي داشته باشيد خوب است اما اگر نداشته باشيد چيزي را از دست نداده ايد. كارآفرينان بسيار موفقي بوده اند كه حتي تحصيلات دانشگاهي هم نداشته اند.

- آیا دوست دارید در خانه پدری بمانید و با گرفتن پول تو جیبی از پدر یا حداکثر با کارهای دانشجویی و زندگی دانشجویی ادامه تحصیل بدهید؟ یا می خواهید در سن 25 سالگی صاحب خانه شخصی شوید و استقلال پیدا کنید؟

• آیا يك مدرک قاب شده در اتاق خواب را بیشتر دوست دارید یا درآمد، استقلال و اتومبیل را؟

- شما هرگز با کارمند شدن به این خواسته ها نمی رسید. خوب است بدانید آمارها نشان می دهد که حتی در کشورهای توسعه یافته تحصیلات 40% از کارآفرینان دیپلم و زیردیپلم است.

- از افراد منفی باف و خطر گریز دوری کنید، آنها انرژی شما را می گیرند و وقت شما را تلف می کنند، آنها اختیارشان را از دست داده اند. به قول معروف با **حلو**ا **حلو**ا گفتن دهن شیرین نمی شود.

- برای رسیدن به خواسته هایمان باید بدانیم که در دنیای واقعی راهنمایی که قدم به قدم دست ما را بگیرد و ما را به موفقیت برساند وجود ندارد. البته اگر بود خیلی خوب بود اما متأسفانه چنین چیزی وجود ندارد. شما باید از تجارب خود بیاموزید و تجارب دیگران را مطالعه کنید تا راهتان را پیدا کنید. خودتان باشید تا دیگران به شما اعتماد کنند.

- قبل از تصمیم گیری برای ورود به دنیای کارآفرینی باید بدانید که **راه سختی را در پیش دارید**، در این راه خطرات زیادی وجود دارد، همانطور که لذات و سودهای فراوانی دارد. باید آماده باشید چون **سنگ های زیادی به طرفتان پرتاب می شود**، **مسخره می شوید**، **ورشکسته می شوید**، **نزدیکانتان را از دست می دهید و ...** اما نباید هیچگاه احساس شکست کنید آیا آماده چنین زندگی هستید؟

- ادامه می دهیم.....

- دوباره با خود مرور کنید که از زندگی چه می خواهید؟
تنها و مهمترین سوالی که باید از خودتان بپرسید
همین است.

- افراد مختلف در پاسخ به این سوال جواب های متفاوتی می دهند. مثلا می گویند **پول** می خواهم یا **شادی** و یا **خانه زیبا** و یا اینکه دلشان می خواهد **عاشق کسی بشوند** و همینطور **عاشق او** بمانند و غیره.

• اما جالب اينجاست كه اغلب مي گويند واقعا نمي دانيم چه مي خواهيم؟

- علت این امر آن است که اغلب این سوال ساده را از خودشان نمی پرسند تا پاسخش را پیدا کنند. اما اینکه چرا افراد این سؤال مهم را از خود نمی کنند سه علت دارد:

- 1- ترس: مي ترسند که اگر پاسخ سوال را بيازند
براي رسيدن به آن بايد اقدامي کنند و دنبال آن تغيير
و تحولي در زندگي شان اتفاق مي افتد و از اين امور
مي ترسند.

- 2- سخت کوشي: چون رسيدن به پاسخ هايشان
احتياج به تلاش و سخت کوشي دارد.

- 3- قالب ذهني: اغلب بطور ناخودآگاه فکر مي کنند
زندگي چيزي است که براي آنها اتفاق مي افتد يا
برايشان پيش مي آيد و لذا قابل برنامه ريزي و پيش
بيني نيست.

- دقیقاً برای خودتان روشن کنید که از زندگی چه چیزهایی، چه مقدار و با چه کیفیتی می خواهید؟ و مشخص کنید تا چه زمانی باید بدستتان برسد تا احساس خوشبختی و سعادت کنید. برای رسیدن به آنها کدامیک از انواع زندگی شغلی مناسب است؟

- فکر مي کنید دنياي آينده چگونه دنيايي است؟ آيا مي دانيد كه آينده ديگر در امتداد گذشته نيست؟

- آیا می دانید عوامل کلیدی موفقیت در کسب و کارهای جدید کدامند؟ آنها عبارتند از تخصص، نوآوری، انعطاف پذیری، خطرپذیری، سرعت عمل و رقابت پذیری. اینها ویژگی هایی است که باید در خود ایجاد یا تقویت کنید تا به خواسته هایتان برسید.

- باید نقاط قوت و ضعف خود را دقیق تر واقعی تر شناسایی کنید. باید باخود صادق باشید، اگر نتوانید در مورد خودتان صادقانه قضاوت در مورد دیگران نیز نخواهید توانست.

- براي اين كه بتوانيد تصميم بگيريد كه وارد دنياي كارآفريني شويد، اجازه ندهيد افكار ذيل مانع از تصميم گيري شما شود.
- بايد خودم را خيلي سريع بشناسم.
- براي تاسيس يك شركت پول زيادي لازم است.
- بيشتر از 8 ساعت خواب لازم است.
- احتياج به شخصي دارم كه من را راهنمايي كند.
- براي بازنشستگي بايد 40-50 سال كار كنم.
- براي گرفتن كمر بند سياه در كسب و كار احتياج به توانايي هاي جسمي بالايي دارم.
- به انتقاد و عيب جويي بيشتر از تعريف و تمجيد احتياج دارم. (نقاط ضعفم را بايد بيشتر از نقاط قوتم بشناسم)

- باید بدانید که کارآفرینی يك نوع سرمایه گذاری برای آینده است و به قول معروف يك سال بخور نان و تره صد سال بخور گوشت بره. در حالی که زندگی کارمندی بر این باور استوار است که سيلی نقد به از حلوائی نسیه است. شروع کارآفرینی سخت است اما این سختی در آینده جبران می شود.

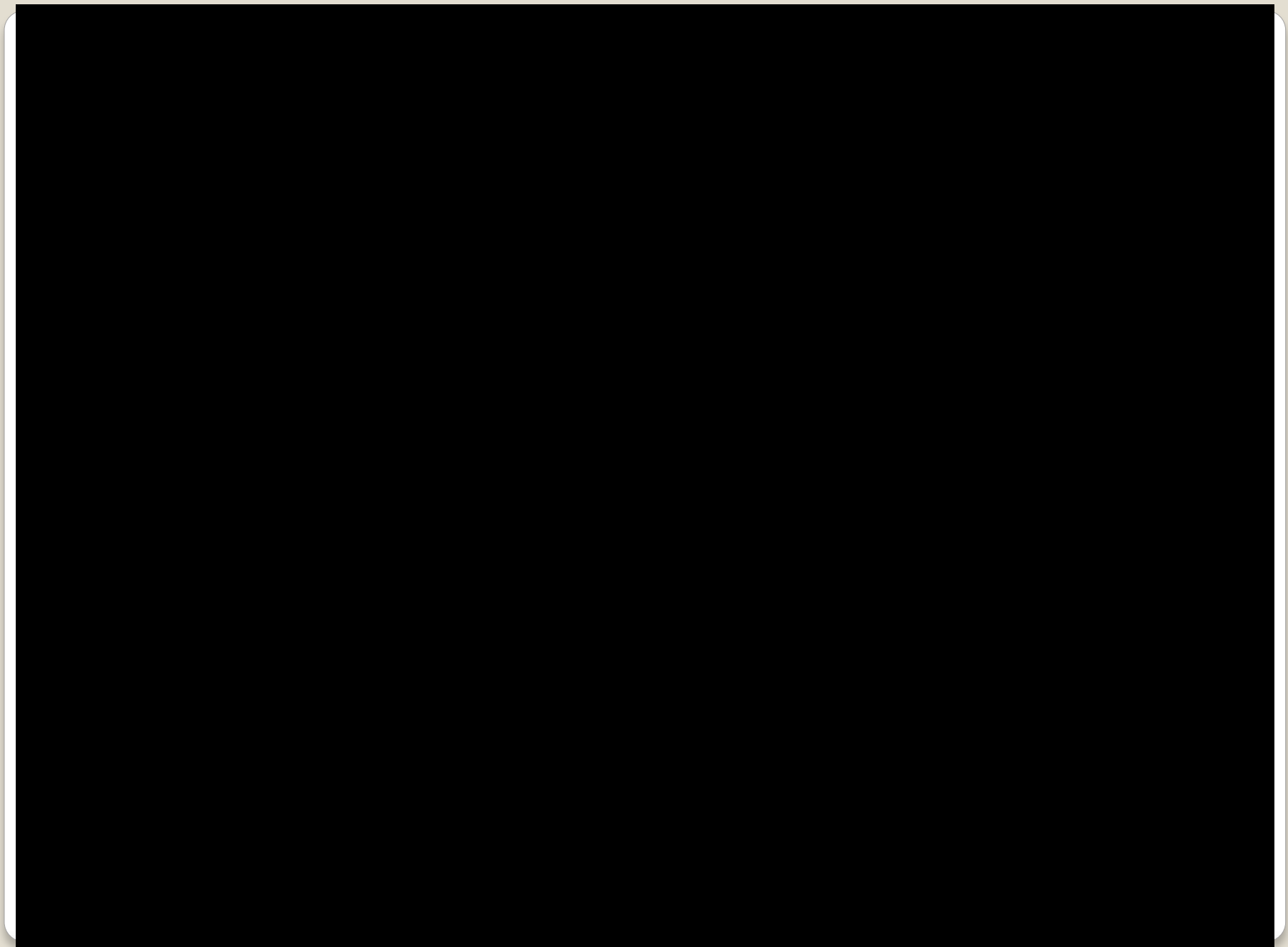
- برای ورود به دنیای کارآفرینانه نباید صرفاً به تخصصی که در دانشگاه بدست آورده اید اتکا کنید بلکه باید آن را توسعه دهید و وارد دانشگاه بازار شوید. فراموش نکنید کارآفرینی شالوده زندگی عصر فراصنعتی است و در این عصر شما چه بخواهید و چه نخواهید باید برای موفقیت، زندگی کارآفرینانه را انتخاب کنید.

- به کاري مشغول شويد که به آن علاقه منديد .

- معروف است اديسون بسيار سخت کوش و فعال بوده است. به طوري که گاهي 16 ساعت از شبانه روز را در آزمایشگاه خود صرف مطالعه و تحقيق و انجام آزمایشات علمي مي کرده و در برابر اين سوال که آیا از اين همه فعاليت خسته نمي شود، گفته است که من 16 ساعت کار نمي کنم بلکه 16 ساعت در حال تفريح هستم.

• تکلیف:

- - به نظر شما امروزه میزان امنیت شغلي در انواع مشاغل موجود چگونه است؟ در این مورد مطالعه کرده و نتایج مطالعه خود را در 2 صفحه بازگو نمایید.
- - یکی از افراد خانواده یا دوستان خود را انتخاب کرده، جدولی براساس علایق و مهارت های او تهیه و برای او مشخص کنید چه شغلي با علایق و مهارتهای او متناسب است.



• کارآفرینی

گام دوم

- با نگاهی به روند رشد و توسعه جهانی در می یابیم که با افزایش و گسترش فناوری های پیشرفته، نقش و جایگاه کارآفرینان به طور فزاینده ای بیشتر می شود. اگرچه در سال های گذشته، اختراع جایگاه ویژه ای در توسعه کشورها داشته است، اما امروزه کارآفرینی از عوامل رشد و توسعه اقتصادی به شمار می رود، به طوری که در غرب و برخی کشورهای دیگر، دو دهه اخیر دوران طلایی کارآفرینی نام گرفته است.

- کارآفرینی یکی از انواع زندگی شغلی است که افراد در مسیر زندگی خود می توانند انتخاب کنند. اگر می خواهید در این راه گام بگذارید، لازم است ابتدا بدانید کارآفرینی چیست و کارآفرین به چه کسی گفته می شود.



- بنا به تعريف واژه نامه وبستر کارآفرين کسي است که متعهد مي شود، مخاطره هاي يك فعاليت اقتصادي را سازماندهي، اداره و تقبل نمايد.

در مورد کارآفريني چه مي دانيد؟

- تعریف ارائه شده بیشتر يك تعريف كلي از کارآفريني مي باشد، اگر بخواهيم بيشتر با اين واژه آشنا شويم بايد اضافه نماييم که در مکاتب و دید گاه هاي مختلف، نظرات متفاوتي از کارآفريني ارائه شده است به عنوان مثال

- اقتصاددانان می گویند، کارآفرین کسی است که منابع، نیروی کار، مواد و سایر دارایی ها را با هم ترکیب می کند تا ارزش آنها را نسبت به قبل بیشتر نماید.

- به عبارتی این گروه از صاحب نظران بیشتر به نقش اقتصادی کارآفرینان در جامعه توجه می کنند و اثراتی که این افراد از نظر اقتصادی بر جامعه می گذارند مورد بررسی قرار می دهند.

- روان شناسان معتقدند کارآفرین کسی است که به وسیله ویژگی های شخصی خود به پیش می رود، ویژگی هایی از قبیل نیاز به کسب کردن یا رسیدن به چیزی، تجربه نمودن، انجام دادن یا شاید فرار از حوزه اختیار دیگران.
- در حقیقت این گروه بیشتر به بررسی الگوی رفتاری و ویژگی های خاص درونی و روان شناختی کارآفرینان می پردازند.

- دانشمندان مدیریت نیز بیشتر به تشریح کارآفرینی از نظر ایجاد جو و محیط کارآفرینانه در سازمان های موجود پرداخته اند.

- اما تعریفی که تقریباً اکثر صاحب نظران در مورد آن اتفاق نظر دارند، به شرح زیر است:

- کارآفرینی عبارت است از:

- فرآیند **خلق** چیزی با ارزش و متفاوت، از طریق اختصاص **زمان و تلاش کافی**، **همراه با خطر مالی**، **روانی و اجتماعی**. به منظور دریافت **پاداش های مالی و رضایت شخص** از نتایج حاصله (Robert D. Hisrich)

- اول: به طور کلی کارآفرینی فرآیند خلق چیزی است، خلق هر چیز ارزشمند و جدید.
- دوم: کارآفرینی فرآیندی است که مستلزم صرف زمان و تلاش کافی است.
- سوم: کارآفرینی دارای خطرهای اجتناب ناپذیری است و بالاخره
- چهارم: آنچه که به عنوان پاداش در فعالیت های کارآفرینانه وجود دارد، رسیدن به استقلال مالی و کسب درآمد و همچنین رضایت خاطری است که فرد کارآفرین بعد از انجام کار، کسب خواهد کرد.

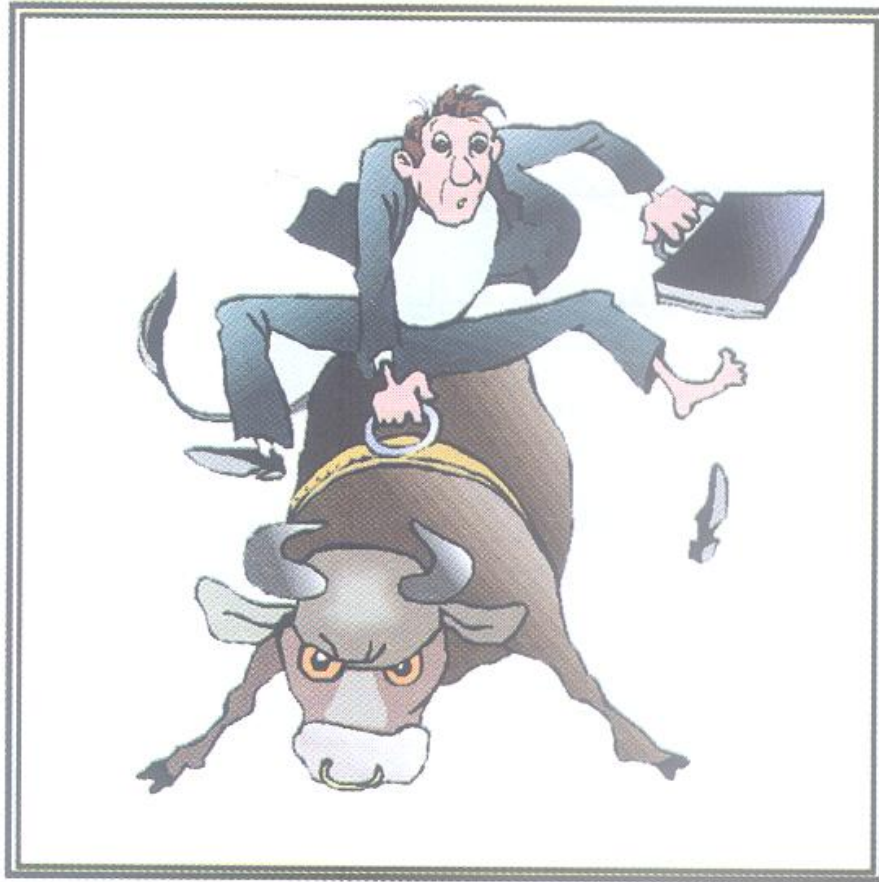
در این تعریف چند نکته وجود دارد:

- ضروري است تا بدانيم چنانچه فردي صرفا كسب و كاري را آغاز كند و خطرهاي آن را پذيرا شود، كارآفرين نيست، بلكه لازم است تا نوآوري هم وجود داشته باشد. به بيان واضح تر كارآفرين كسي است كه محصول، خدمت و يا فرآيند جديدي را توليد يا ارائه نمايد.

آیا می دانید افراد کارآفرین دارای چه

- اکثر تعاریفی که از کارآفرینان وجود دارد، تعاریفی است که بیشتر ویژگی های فردی کارآفرینان را بیان می کند. تلاش روانشناسان بیشتر در جهت یافتن ویژگی های شخصیتی مشترک کارآفرینان و سعی جامعه شناسان در جهت یافتن ویژگی های جمعیت شناختی این افراد بوده است.

- روانشناسان ویژگی‌های مختلفی را برای افراد کارآفرین ذکر کرده‌اند، اما ویژگی‌هایی که در اکثر تعاریف آنها مشترک است، به شرح ذیل است:



۱- خطرپذیری: همان طور که در تعریف کارآفرینی گفته شد، فرآیند کارآفرینی همراه با خطرپذیری است. کارآفرینان عموماً پذیرندگان خطرهای مطالعه شده و مدیریت پذیر یا حساب شده هستند. آنان ضرورتاً به دنبال کارهای پر خطر نمی‌روند، اما علاقه‌مند هستند تا برای آغاز یک فعالیت اقتصادی معمولی به مقدار متعادلی خطرپذیری کنند.

۲- **استقلال طلبی:** کارآفرینان افراد مستقل و استواری هستند که علاقه شدیدی به کنترل داشتن بر امور دارند، آنها نیاز زیاد به استقلال دارند، تا بتوانند تصمیمشان را خودشان بگیرند. یکی از مهم‌ترین دلایلی که آنها فعالیت اقتصادی‌شان را آغاز کرده‌اند، اجتناب از کار کردن برای دیگران است. آنها تمایل دارند رهبر باشند تا پیرو.

۳- مرکز کنترل درونی: کانون کنترل درونی، احساسی است که افراد برخوردار از آن معتقدند که شخصاً هدایت و کنترل سرنوشت‌شان را بدست دارند. آنها معتقدند که موفقیت یا شکست‌شان نتیجه اقدامات خودشان است تا حکم سرنوشت و یا تأثیر مطلق عوامل بیرونی و حوادث احتمالی نظیر شانس و بخت و اقبال.

- 4- نیاز به موفقیت و پیشرفت: این ویژگی نیز یکی دیگر از ابعاد اساسی شخصیت کارآفرینان است. آیا علت ترك شغل افرادی که در کار خود ماهر بوده و حقوق و دستمزد خوبی نیز دریافت می کرده اند، نیاز به توفیق به همراه نیاز به استقلال نبوده است؟ فرد کارآفرین هدف گرا است، حال این هدف ممکن است کسب سود یا ثروت باشد، یا هدف سازمانی مثل بازاریابی محصولی جدید یا ارائه خدمتی موفقیت آمیز.



- گاهی ممکن است تصور شود که کارآفرینان افرادی تشنه قدرت هستند. پژوهش ها نشان می دهد که کارآفرینان کسانی هستند که نیاز زیادی به پیشرفت و نیاز کمی به قدرت دارند. همچنین این افراد به وابستگی های اجتماعی، نیاز بسیار اندکی از خودشان نشان می دهند.

- شما چطور؟ آیا حاضر به انجام کارهای روزمره و بدون زحمت هستید؟ یا مایلید کارهایی را که در آنها وظایف سخت تری بر عهده شما می گذارند، انجام دهید؟ اگر در جستجوی کاری پرفراز و نشیب هستید، این ویژگی کارآفرینان در شما نیز وجود دارد.

- 5- ایده پردازی و خلاقیت و نوآوری: خلاقیت همان خلق ایده های جدید است که این ایده ها ممکن است به محصولات یا خدمات جدیدی نیز منجر شود. نوآوری نیز همانا ارائه محصول، فرآیند و خدمات جدید به بازار است.

• خلاقیت، فرآیند ایجاد هر چیز با ارزش است و در حقیقت پیدایی و تجلی يك اندیشه و فکر است. در حالی که نوآوری، فرایند عملی ساختن آن اندیشه و فکر است.

فرصت ها نیز، موقعیت هایی هستند که از بررسی نیازهای جامعه فراهم می شوند که کارآفرینان این نیازها را درك کرده اما افراد عادی قادر به درك آنها نیستند.

- تا چه حد در انجام کارها سعی می کنید روشهای جدید و نو را امتحان کنید؟ اگر همیشه در پی یافتن راههایی به غیر از راههای ثابت شده خود و دیگران هستید گرایش به خلق ایده و نوآوری در شما وجود دارد.

- 6- اعتماد به نفس: کارآفرینان معمولاً اعتماد به نفس بالایی دارند، آنها توانایی ها و راهبردهای خود را قبول دارند، خود را باور دارند و می دانند که می توانند.

- 7- تحمل ابهام: تحمل ابهام و پذیرش عدم اطمینان جزء امور عادی زندگی است. تحمل ابهام، به معنی توانایی زندگی کردن بدون داشتن اطلاعات کامل از محیط است. تمایل افراد به آغاز یک فعالیت اقتصادی بدون اطمینان از اینکه موفق خواهند شد یا نه؟ اینکه، رقبا چگونه واکنش نشان می دهند؟ یا دقیقاً چه منابعی ممکن است مورد نیاز باشد، بیان کننده تحمل ابهام است.

- هر چند بعضي از کارآفرینان ممکن است وانمود کنند که بیش از حد ساختار یافته عمل می کنند، ولی به عنوان یک قانون کلی و به طور نسبی، توانایی و تحمل آنان در مقابل شرایط عدم اطمینان زیاد است و توانایی دارند تا با آگاهی نداشتن از اطلاعات کامل بکار ادامه دهند.

- کارآفرینان به مراتب بیش از مدیران شرکت ها، قدرت تحمل ابهام را دارند، آنها بدون اینکه احساس تهدید و یا ناراحتی نمایند، قادر به طور اثربخش با شرایط و اطلاعات مبهم، ناقص، غیرقطعی، سازمان نیافته و غیرشفاف دست و پنجه نرم کنند.

- 8- پشتکار بالا: کارآفرینان افرادی هستند که در انجام کارهایشان مصمم و دارای پشتکار هستند. این افراد با مواجه شدن با شکست ناامید نمی شوند و به دنبال راهی می گردند. که بر آنها غلبه کنند و راه خود را تا رسیدن به موفقیت ادامه می دهند.



- 9- آرمان گرایی و داشتن دورنما: کارآفرینان برای خود یک هدف نهایی در نظر می گیرند و ابتدا تصمیم می گیرند چه می خواهند، سپس برای رسیدن به آن برنامه ریزی می کنند و تلاش می کنند تا به آن هدف برسند.

- 10- پیشقدم بودن: این افراد همیشه در انجام کارها، پیشتاز هستند و منتظر این نیستند که کسی آنها را بکار دعوت کند و یا از آنها بخواهد فعالیت را انجام دهند.

- 11- اهل عمل و کاربودن: کارآفرینان افرادی هستند که شب و روز نمی شناسند و برای رسیدن به اهداف خود هیچگاه دست از تلاش برنمی دارند. آنها در اوایل فعالیت اقتصادی خود، حتی ممکن است ماهها بدون فوت وقت کار کنند.

- 12- نتیجه گرا: کارآفرینان افرادی هستند که مخاطرات و سختی هایی را متقبل می شوند برای اینکه در نهایت به نتیجه برسند؛ این نتیجه، کسب درآمد، رسیدن به سود و یا رضایت شخصی است.

- 13- کارآمد بودن: يعني توانايي بهره برداري بدون اتلاف منابع. آنها سعي مي کنند از کمترین منابع و زمان، حداکثر استفاده را ببرند.

- 14- چاره جويي: کارآفرینان افرادی هستند که می توانند در برخورد با اتفاقات غیرمنتظره، راه حل های مبتکرانه ای ارائه دهند.

- 15- بي صبري: بدان معنا كه در صورت تاخير كارها آرامش خود را از دست مي دهند و در نتيجه سريعاً در پي رفع موانع بر مي آيند.

- 16- علاقه مندي به يادگيري: کارآفرینان یادگیری را برای پیشرفت ضروري مي دانند. بر این اساس آنان پیوسته تمامی ظرفیت خود را بکار مي گیرند تا از محیط، مراکز آموزشی، تجربیات موفق، عوامل پیروزي و شکست و رقبا نکات موثري براي پیشبرد کسب و کار خود و عملکرد بهتر، فرا گیرند.

- 17- رهبري: يعني ترغيب و جهت دادن به فعاليت ها و مديريت منابع انساني و مادي براي دستيابي به اهداف تعيين شده. اين افراد حس رهبري بالايي دارند و مي توانند با قدرت در مورد مسائل گوناگون تصميم گيري کنند.

نکته: بخاطر داشته باشید که کارآفرینان با این خصوصیات متولد نشده‌اند، بلکه این ویژگی‌ها را از طریق تجربه کسب کرده‌اند. بنابراین شما نیز می‌توانید با استفاده از تجربیاتی که در طول زندگی کسب می‌کنید چنین خصوصیات را در خود ایجاد نمایید.

- 1- تجربه کاری: کارآفرینان در صنعتی که کار خود را در آن آغاز می کنند، دارای تجربه قبلی هستند، بهره گیری از تجارب کاری قبلی در فعالیت های اقتصادی خاص همواره همبستگی مثبتی با میزان دسترسی به موفقیت کاری دارد.

ویژگی های جمعیت شناسی

- 2- نارضايتي از شغل قبلي: نارضايتي علت اصلي دور شدن فرد از شغل خود مي باشد. در مورد کارآفرين، نارضايتي از شغل قبلي نه تنها او را وادار مي کند که کار خود را ترك کند، بلکه اين حس را در او ايجاد مي کند که کار کردن در هيچ جاي ديگري ارضاء کننده نخواهد بود.

- 3- الگوي نقش: خانواده و دوستان نقش مهمي در کارآفرين شدن فرد بازي مي کنند. تحقيقات نشان داده اند که غالب پدران کارآفرينان موفق در زمينه هايي با فناوري بالا، مالک و مدير بوده اند. آنها در محيط خانواده با فرهنگ کارآفريني آشنا مي شوند و تجربيات کارآفرين شدن را کسب مي کنند. به طور کلي وجود يك الگوي نقش کارآمد، افراد را به پذيرش مخاطرات کارآفريني تشويق مي کند.

- 4- شرایط کودکی: نتایجی که از تحقیقات به دست آمده نشان می دهند که تجربیات کودکی تأثیرات به سزایی در زندگی آینده فرد دارد. به همین جهت است که مطالعات درخصوص شرایط کودکی افراد در ابعاد مختلف صورت گرفته است. اعضای خانواده و بخصوص والدین در پرورش حس استقلال طلبی، علاقه به موفقیت، مسئولیت پذیری و دیگر ویژگی های کارآفرینی در فرزندان خود بسیار موثرند.

- 5- سن: به طور كلي، براي کارآفرين شدن داشتن سن مشخصي معيار نيست، اما نکته اي که وجود دارد، اين است که هر چه سن افراد بالاتر مي رود و سالخوردگي فرا مي رسد، از خطرپذيري بيزار مي شوند و نمي خواهند بر روي فعاليت هاي اقتصادي که ممکن است شکست بخورند، خطرپذيري کنند. تحقيقات نشان مي دهد که اکثر کارآفرينان، کسب و کار خود را در سنین بين 25 تا 45 سالگي آغاز مي کنند و هر چه کارآفرين جوانتر باشد، امکان موفقيت او بيشتر است.

- 6- سطح تحصیلات: زمینه های تحصیلی کارآفرینان مانند سن آغاز به فعالیت شان متفاوت است. بعضی از آنها ترك تحصیل کنندگان دبیرستانی هستند که یا مجبور شده اند مدرسه را بخاطر كمك مالي به خانواده ترك کنند و یا کسانی که دنیای واقعی را از مدرسه مهیج تر یافته و آن را ترك کرده اند.

- با این وجود به طور کلی کارآفرینان، تحصیلات دانشگاهی داشته و تعداد زیادی از آنان دارای مدارج بالایی علمی هستند. البته این امر تا حدود زیادی به جامعه بستگی دارد. اگر جامعه روی هم رفته از سطح داشتن بالاتری برخوردار باشد، کارآفرینان آنها نیز تحصیلات بالاتری خواهند داشت.

- 7- انگیزش برای آغاز فعالیت اقتصادی: مطرح شدن این سوال که چرا افراد کارآفرین می شوند، مطلبی است که به شرایط انگیزشی آنان مربوط می شود. کارآفرینان اغلب به دلیل ضرورت، شروع به فعالیت اقتصادی مستقل می کنند.

- خیلی زود دیر می شود از همین حالا به فکر ایجاد یک شغل کارآفرینانه باشید.

- یکی از مهم ترین دلایل برای کارآفرینی، حس استقلال طلبی و عدم وابستگی به دیگران است.

- در بعضي مواقع نيز، افراد در اثر روابط كاري و اجتماعي خاص، همچون اخراج يا بركناري موقت از كارشان، تشويق به راه اندازي يك شغل جديد شده اند.

- نظام هاي آموزشي از جمله عواملی است که بر کارآفرین شدن افراد تاثیر دارد. اگر نظام آموزشي به گونه اي باشد که افراد بتوانند علاوه بر کسب دانش، چگونگي استفاده از آن را در محیط کار و بازار کار نیز یاد بگیرند؛ تعداد کارآفرینان و به دنبال آن، کسب و کارهاي تازه زياد خواهد شد.

- و در نهایت قرار نگرفتن فرد در جایگاه اجتماعی مورد انتظارش، سبب می شود تا فرد به سوی فعالیت های کارآفرینانه برانگیخته شود. هنگامی که بین جایگاه اجتماعی فرد و انتظارات وی فاصله باشد، به سوی رفتارهای متفاوت از جمله کارآفرین شدن برانگیخته می شود.

- پیش از آنکه تصمیم بگیری مشورت کن و قبل از آنکه عمل کنی فکر کن. حضرت امام علی (ع)

• شما به عنوان يك کارآفرين به چه مهارت
موفق، به مهارت هاي گوناگون نیاز دارید؟

• توانايي در بکارگيري صحيح دانش کسب شده و
استفاده از آن در اداره کسب و کار، نمایانگر سطح
مهارت هاي تخصصي يك کارآفرين است.

پایان جلسه اول